

موش و خرگوش و جوجه تیغی سرشان را پایین انداختند و گفتند: «ما فکر کردیم می‌خواهی برای این کار جایزه بگیری.»

سنباب خندید و گفت: «تمیزی و زیبایی جنگل جایزه‌ی بزرگی برای همه‌ی ماست.» حیوانات به پشت سرشان نگاه کردند. با شادی سر تکان دادند. کیسه‌های خودشان را داخل سطل انداختند و پرسیدند: «حالا چه کار کنیم که آدم‌ها دوباره در این‌جا آشغال نریزند؟»

سنباب گفت: «هنوز نمی‌دانم. ولی شاید بچه‌هایی که این داستان را می‌خوانند، بتوانند کاری کنند و فکرهای جالبی در این باره به ذهنشان برسد.»

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ
«خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»

(سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸)

گفت و گو کنیم



❁ اگر جای سنباب کوچولو بودی برای همراه کردن دوستانت در این کار خوب چه می‌کردی؟ **به آنها هم می‌گفتم که به من کمک کنید.**

❁ اگر دوستان سنباب کوچولو به او کمک نمی‌کردند تا جنگل تمیز شود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ **هیچ وقت جنگل تمیز نمیشد**

❁ شما چه فکرهای جالبی برای پاکیزگی طبیعت دارید؟
وقتی به جنگل می‌رویم با خود پلاستیکی جهت ریختن آشغال‌ها ببریم.

فکر می‌کنم



خداوند پاکیزگان را دوست دارد زیرا...

**پاکیزگی از نشانه‌های یک فرد خوب
و مسلمان است.**



دوست دارم



دوست دارم در تمیزی و زیبایی محل زندگی ام نقش داشته باشم.
❁ اگر جلوی خانه ی ما باغچه ای هست من می توانم به گارها و درختان آب دهم و از آنها مراقبت کنم.

❁ حتماً کیسه ی زباله را ... در ساعت مشخص در سطل

❁ ...

آشغالی بگذاریم.



امین و مینا



امین: من طبیعت را دوست دارم و همیشه مواظب آن هستم

مینا: من در طبیعت می توانم نعلت های خدا را ببینم

امین: اسلام دین **تمیزی** است.

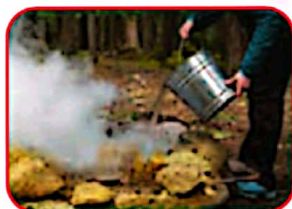
مینا: پس ما باید همیشه تمیز باشیم، مثلاً کلاسما را تمیز کنیم.

امین: در مدرسه هم می توانیم نظافت را رعایت کنیم.

بین و بگو



در هر تصویر چه می بینی؟ با کمک دوستانت برای هر کدام، نام مناسبی انتخاب کنید.



..... خاموش کردن



..... جمع آوری زباله ها



..... کاشتن گیاه

آتش بعد از استفاده